

ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی در نظام بین‌الملل امروز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی در نظام بین‌الملل امروز؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

سینا کریمی[1]

چکیده

تمدن نوین اسلامی بر آن است که با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و همچنین بهره‌مندی از دستاوردهای تمدن بشری، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که بتواند تمامی جنبه‌های تمدن مدنی را در برداشته باشد. در این مقاله تلاش می‌شود از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی مشتمل بر: دین‌باوری امت مدار، خردباوری، تمدن اندیشی، خودباوری، غرب پژوهی و عوامل دیگر بحث شود. از آنجایی که برای حرکت تمدن اسلامی چالش‌هایی نظیر عدم پیروی از رهبری واحد، فرهنگ مهاجم غربی و اختلاف افکنی در میان مسلمانان، موانعی چون مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و عدم توجه به عقلانیت دینی تفرقه درونی امت، تهاجم تمدن غرب وجود دارد. لذا جهت کاهش این آسیب‌ها می‌بایستی به فرصت‌ها و تدابیری که برای رفع این موانع وجود دارد پرداخت؛ توجه به نقش رهبران دینی، فکری، فرهنگی و گروه‌های مرجع و نخبگان در هدایت مردم راهکار درستی برای مقابله با این مشکلات می‌باشد. بر این اساس تمدن نوین اسلامی و خصوصیات آن

اگر به صورت جدی مرکز توجه و فعالیت قرار گیرند و از غفلت نسبت به آن خودداری شود، ضمن ایجاد تحلیلی عمیق در جامعه انسانی، مجموعه از اندوخته‌های مادی و معنوی جهت نیل انسان به کمال مطلوب به بشریت عرضه خواهد کرد. در همین راستا پژوهش حاضر ضمن واکاوی خصوصیات تمدن نوین اسلامی به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو این تمدن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، فرصت‌ها و چالش‌ها، مسلمانان، خصوصیات تمدن نوین اسلامی

مقدمه

با خروج انسان‌ها از زندگی بدوی و ابتدایی و ورود به زندگی شهرنشینی و راه و رسم انسانیت و ترقی، تمدن به وجود آمد. تمدن، حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی است. (ولایتی، ۱۳: ۱۳۸۶) تمدن دارای دو جنبه مادی و روحی است. مادی همان نیروی حسی و تمام آن چیزهایی است که از حس پیروی می‌کند و یا آن را مدد می‌رساند، اما جنبه روحی یا نیروی معنوی آن عبارت از هدف‌های شریف انسانی و اخلاقی و سعی در رسیدن به آن‌ها است. کوشش برای بهبود روابط انسان‌ها و بالا بردن شعور اجتماعی و افزایش آگاهی افراد از نظر سیاسی و عادت دادن انسان‌ها به اینکه در راه فضیلت و مصلحت انسان‌ها گام بردارند و درباره نیکی و زیبایی بیندیشند و آرمان‌هایی برای رستگاری آدمیان داشته باشند و دل‌هایشان به مهر همنوع بتپد و همچنین وضع آیین‌ها و قانون‌هایی برای تعلیم و تربیت صحیح مردم و پدیدآوران بنیادهایی برای تغذیه روح انسان‌ها و در راه نیکی به انسان‌ها، همه و همه جنبه روحی تمدن و از نیروی معنوی آن است. (کسمایی، ۲۲: ۱۳۵۴) تمدن نوین اسلامی آمیخته‌ای از دنیا و آخرت و عالم ماده و معناست. تاریخ اسلام در زمینه تمدن، سابقه پرافتخاری دارد. از آنجایی که تمدن شناس گامی مؤثر در جهت تمدن سازی و خروج از سلطه تمدن‌های دیگر است و در راستای تشخیص کارآمدی نظام‌های اندیشه‌ای، مؤثر واقع می‌شود. (اردکانی، ۱۱۰: ۱۳۸۰) بنابراین چنین به نظر می‌رسد که ارائه خصوصیات و ویژگی‌های تمدن اسلامی به طور اعم و تمدن نوین اسلامی به طور اخص، بتواند گامی مؤثر در راستای تمدن سازی و خروج از سیطره دیگر تمدن‌ها باشد. (تقی نیا، صوفی، رستمی، ۳- ۲۰: ۱۳۹۳) تمدن اسلامی و شاخص‌هایش اگر به صورت جدی مرکز توجه و فعالیت قرار گیرند، مجموعه‌ای از اندوخته‌های مادی و معنوی جهت نیل انسان به کمال مطلوب به بشریت عرضه خواهد نمود؛ همان‌طور که در بعضی از اعصار اندیشمندان و آگاهان دیگر جوامع به وضوح به تأثیرپذیری تمدن و فرهنگ جوامع شان از تمدن اسلامی اقرار داشته و اعتراف می‌کنند. ویل دورانت از جمله نویسندگانی است که به این برتری تمدن اسلامی و

تأثیرش بر تمدن غربی تأکید می‌نماید؛ بر این اساس آگاهی از ویژگی‌های تمدن اسلامی و پیاده کردن آن در جامعه، فرصت بسیار مغتنمی است که در سایه آن، افراد بشر به رشد و پویایی آینده رقم زنند. در نتیجه باید به صورت جدی‌تر و عمیق‌تر به نهادینه کردن و در مراحل بعد عملی کردن این شاخص‌ها که می‌توان گفت تاکنون مورد غفلت واقع شده است، پرداخت تا تمدن اسلامی به معنای واقعی در حیات انسانی رخ دهد. (تقی نیا، صوفی، رستمی، 3-1393:20) در همین راستا، شاخصه اصلی تمدن اسلامی، توسعه و تکامل همه جانبه انسانی است، نه رشد یک‌بعدی و تک‌ساختی. از این رو نه جامعه راهبان دیرنشین و صوفیان خانقاه نشین، اما فقیر و مفلوک مطلوب است، نه جامعه مرفه مترفین غرق در دنیا و غافل از خدا. جامعه مطلوب قرآنی جامعه‌ای است که در آن عقلانیت، دیانت، عدالت و پیشرفت در عالی‌ترین حد ممکن باشد. تمدن قرآنی به داشتن برج‌ها و آسمان خراش‌ها نیست. تمدن قرآنی که برمدار بندگی است، رسالتش تحقق عدل و احسان و نقوی و پیشگیری از ستم و فساد و طغیان و مبارزه با آن است. تبعاً در هر تمدنی ناسامانی‌هایی نیز وجود دارد و تمدن اسلامی مبری از این مشکلات نخواهد بود.

متفکران بشری از دیرباز، اهتمام ویژه‌ای به بحث جامعه داشته و به فراخور رویکرد و مجال فکری خویش عناصری را برجسته دیده‌اند. عناصر لازم و ارکان هویت بخش یک جامعه پیشرفته و متمدن در فرهنگ مادی و سکولار و غیر الهی، برحسب مبنای متافیزیکی آن، پیشرفت در علم و فناوری، سلطه بر طبیعت، اقتدار اجتماعی سیاسی و اقتصادی و مانند آن به منظور تأمین رفاه و آسایش همگان است؛ اما پیشرفت مقبول و تمدن مطلوب جامعه بر مبنای نگرش توحیدی در صورتی محقق است که افزون بر عناصر فوق، ارزش‌های اساسی دیگری در آن جامعه جریان داشته، زمینه سعادت آحاد آن فراهم آید. از سوی دیگر تمدن نوین اسلامی با مفاهیمی مانند؛ بیداری اسلامی، بیداری انسان، انقلاب آزادی، بهار عربی و موج دموکراسی خواهی، رابطه نزدیکی دارد؛ یکی از نظریه‌هایی که به نوعی می‌توان مفاهیم فوق را با آن تحلیل نموده و مورد کاوش و بررسی قرار داد، نظریه خیزش تمدنی است؛ بر اساس نظریه خیزش تمدنی بیداری اسلامی نهضتی است احیاگر و هویت بخش که به صورت مستمر از یک و نیم قرن پیش در جهان اسلام به راه افتاده است و مراحل متعددی را طی کرده است. منشأ این بیداری اراده خداوند، تعالیم دین اسلام و مجاهدت علما و مصلحان اسلامی است و عمق آن تا بعد تمدنی اسلام پیش رفته است. این حرکت مستمر، از فریاد و مبارزه در مقابل استبداد و استعمار گرفته تا دوران تجربه و عملکرد و تا خیزش تمدنی اخیر، دورانی از بیداری، استقلال خواهی و هویت جویی را شکل داده است. انقلاب اسلامی در میانه این دوران و با بیش از سی سال تجربه و عملکرد موفق خود، توانست این حرکت را از سطح مبارزه و قیام و انقلاب، به سطح نظام سازی و حرکت در مسیر تکامل با افق تمدن اسلامی ارتقا دهد. بر این اساس، جنبش‌های اخیر نوپای جهان اسلام، با نظر به انقلاب اسلامی در یک منازعه تمدنی به وقوع می‌پیوندد؛ منازعه‌ای که میان تمدن غربی و بزرگ‌ترین نامزد تمدن آینده یعنی اسلام به نمایندگی انقلاب اسلامی در جریان است.

تمدن نوین اسلامی که جوانه‌های شکوفایی آن با انقلاب اسلامی ایران پدیدار گردید، در مهر و موم‌های اخیر با بروز جنبش‌ها و قیام‌های مردمی در میان ملت‌های مسلمان جهان که با نام بیداری اسلامی شناخته شده است روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت‌های شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرآیند تمدنی جهان صورت گرفته است، جرقه‌های بازیابی شوکت و عظمت گذشته تمدن اسلامی زده شده است. روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت‌های شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرآیند تمدنی جهان صورت گرفته است، جرقه‌های بازیابی شوکت و عظمت گذشته تمدن اسلامی زده شده است. با توجه به عدم اقبال فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره‌گیری از تمدن‌های موجود و رویکرد و اقبال گسترده و روزافزون جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی که موجبات نگرانی دولت‌های غربی را نیز فراهم نموده است، لزوم هوشیاری و توجه دقیق در مسئله ایجاد، پرورش و گسترش تمدن نوین اسلامی بیش‌ازپیش نمایان است. تمدن نوین اسلامی سعی بر آن داشته است که با بهره‌گیری از ابزارها، مواهب و دستاوردهای مفید تمدن مادی غرب، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که بتواند تمامی جنبه‌های تمدنی را در برداشته باشد. فرهنگ‌های جاری جوامع، توسعه امکانات ارتباطی و آسیب‌های آن، گروه‌های فکری - اجتماعی مختلف و نیز رویارویی تمدن‌های مستقر جهانی با فرآیند تمدن سازی نوین اسلامی باعث بروز آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی بر سر راه این تمدن گردیده است.

نظریه سازه‌انگاری

اما نظریه دیگری که در آن به موضوع فرهنگ تمدن‌ها توجه ویژه‌ای مبذول شده است، نظریه سازه‌انگاری است که پژوهش حاضر در چارچوب آن تحلیل و تبیین خواهد شد. تا پیش از تحولات اساسی بین‌المللی در اواخر سده گذشته، توجه به قدرت، منافع، ساختار و نهاد برای کشورها رواج بسیاری داشت؛ اما ناکامی نظریه‌ها در پیش‌بینی و تحلیل آن تحولات، توجه به عوامل "فرهنگی و اجتماعی" را در دستور کار نظریه‌پردازان قرارداد. (کریمی، 1383: 160)

نظریه سازه‌انگاری رویکردی است که ابتدا در جامعه‌شناسی مطرح شد و از اواخر دهه 1980 و اوایل دهه 1990 به یکی از مهم‌ترین تئوری‌های روابط بین‌الملل تبدیل شد. در این نظریه که در مناظره روابط بین‌الملل که به زعم برخی منجر به احیای رشته بحران‌زده روابط بین‌الملل در دهه 1980 شده توجیهی ویژه به عوامل معنایی از جمله هویت و فرهنگ شده است. (مشیرزاده و مسعودی، 1388: 253) از این روی،

اهمیت نظریه سازه‌انگاری از جهت دید و نگرش تازه‌ای است که به تحولات دارد. سازه‌انگاری به تحولات و پویایی داخلی و بین‌المللی توجه میکند و قائل به ایجاد تحول در عرصه بین‌الملل است. بر این اساس سازه‌انگاری با تأکید بر نقش و اهمیت ابعاد غیرمادی حیات اجتماعی، نقش زبان، قواعد، هنجارها، رژیمها، عرفیات و فرهنگ را در تکوین روابط بین‌الملل موردتوجه قرار میدهد. (شفیعی و رضایی، 1391: 63)

تحلیل سازه‌انگاران از سیاست خارجی در پی نفی الگوی سنتی نیست بلکه با اخذ ابزارهای تحلیل آن، به احیای روشمند نقش ایده‌ها و الگوهای ذهنی و هنجارها در تحلیل خواهد پرداخت. به‌گونه‌ای که در اینجا الگوهای ذهنی تعیین‌کننده میشوند. این مسئله از طریق قرار گرفتن مسئله هویت نظام سیاسی در مرکز تحلیل سیاست خارجی تحقق مییابد. با محور قرار گرفتن هویت است که ایده مرکزی سازه‌انگاری -مبنی برقرار دادن ذهنیت به‌عنوان قوام‌بخش عالم تحقق مییابد و نظریه‌ها سازه‌انگاران می‌شود. (متقی و کاظمی، 1386: 220 و 219)

سازه‌انگاران در پی پاسخ به این سؤال میباشند که چرا کنشگران حتی در وضعیت‌هایی که قواعد اجتماعی چه‌بسا ممکن است با منافع مادی خودشان مغایرت داشته باشند، بازهم به این قواعد وفادارند؟ (کورت و لگرو، 1390: 283) سازه‌انگاران با طرح مسئله ایده‌ها و به دنبال آن هنجارها و هویت به این نتیجه میرسند که رفتار دولت تابع آنچه فکر میکند و مناسب تشخیص میدهد، است و نه آنچه قدرت انجام آن را دارند. (عبدالله خانی، 1383: 189) همچنین این نظریه، بر آن است تفسیری از سیاست هویت به دست دهد و راهی برای شناخت این مسئله ارائه کند که چگونه فرهنگ، تاریخ، هنجار، رویهها و ارزشهای مشترک و سایر همبستگیهای بینا ذهنی یک‌به‌یک در تفسیر سیاست جهان نقش دارند. (هویف، 1385: 475)

هنجارها یا در وهله اول هویتها را تعریف میکنند (تشکیل میدهند) یا رفتارهای هویت‌های قبلاً ایجادشده را تجویز یا ممنوع میکنند (تنظیم میکنند). (عبدالله خانی، 1386: 71) نگاه سازه‌انگاران به هنجارها و قواعد مهم است و درزمینه تأکید بر هنجارها با نظرات لیبرالها اشتراک دارند اما تفاوت برجسته آن‌ها با لیبرالها این است که لیبرالها بر جنبه تنظیمی هنجارها تأکید دارند ولی سازه‌انگاران افزون بر جنبه تنظیمی، به جنبه تکوینی آن‌ها نیز توجه میکنند و بر این باورند که هنجارها در پی فرایندهایی مانند تعاملات پدید می‌آیند. (شفیعی و زمانیان، 1390: 127) علاوه بر آن لیبرالها به هویت و انگاره‌ها به‌عنوان متغیر حداقل وابسته و حداکثر واسطه‌ای مینگرند که در خدمت بیشینه‌سازی ارزشهای مادی است. (پوراحمدی و موسوی نیا، 1385: 41) حال آنکه در نگرش سازه‌انگاری اجتماعی بر نقش ساختارهای معرفتی و معنوی تأکید شده و آن‌ها را تا سطح یک متغیر مستقل برای تبیین

از منظر سازه انگاران، محيط اجتماعي، زيست-شناسي و فيزيکي که انسان-ها در آن زندگي ميکنند خالي از معناست تا اينکه انسان-ها معنايي بر آن-ها بار کنند. از نظر ونت انگاره-هاي غيرمادي شرايط مادي را هدايت کرده و شرايط مادي زندگي اجتماعي را شکل و تحت-الشعاع قرار مي-دهند. (کلود زيچ 1390: 330) متفکران اين نظريه بر ساخت اجتماعي واقعيت، شکل-گيري و معنا يافتن همه کنش-هاي انساني در فضاي اجتماعي تأکيد دارند. مهم-ترين خصيصه متمايز سازه نگاري در قلمرو هستي شناختي است. سازه-انگاري سياست بين-الملل را بر اساس یک هستي شناختي رابطه-اي مي-بيند و به عوامل فکري مانند فرهنگ، هنجارها و انگاره-ها بها مي-دهد. (مشيرزاده، 1384: 324) بنا بر اين، براي سازه انگاران تمام پديدههاي اجتماعي از جمله گرايشهاي سياست خارجي، به-صورت اجتماعي بر ساخته ميشوند و اين شامل تصميم-هاي دو کشور در مورد طرف مقابل و وضعيت روابط دو کشور نيز ميشود. بررسي نظرسنجيها نشان ميدهد وضعيت موجود در روابط دو کشور، بي-ارتباط با نگرشهاي جاري ميان مردمان دو کشور نيست. به-عبارت-ديگر، تصميمها و جهتگيريهاي موجود در هر کشور با اندیشهها و برداشتهاي جاري در آن جوامع مرتبط است و ناهم-خواني ميان سياست-هاي دو کشور به-نوعی با ارزش-هاي بر ساخته شده در درون آن جامعه نيز ارتباط پيدا ميکند. (سليمي، 1388: 94)

از نظر ونت، دولتها موجوديت-هايي هستند که ميتوانيم به آن-ها هويت و منافع را منتسب کنيم. (ونت، 1384: 325) محيط بين-المللي که دولت-ها در آن عمل ميکنند بيش از آنکه مادي باشند، فرهنگي و نهادي است و در روند تعامل دولت-ها ساخته-شده و بازسازي ميگردند. همچنين، اين محيط فرهنگي و نهادي، بيشتر از آنکه بر رفتار دولت-ها اثر بگذارد، بر تعريفی که آن-ها از خود دارند، اثر ميکند. (کرمي، 1383: 170 و 169)

بنا بر اين سازه-انگاري درست برخلاف نظريههاي خردگرا مدعي است که فرهنگ نقش مهمي در روابط بين-الملل دارد. به همين دليل نيز سازه انگاران يکي از دلايل ناکامي رئاليستها و ليبرالها را در تجزيه-وتحليل درست مسائل بين-المللي، در عدم توجه به بخش فرهنگي ميدانند. بر اين اساس گفته ميشود تأکيد بيش-ازحد خردگرايي بر ابعاد عيني روابط بين-الملل و نادیده گرفتن ابعاد ذهني که فرهنگ در قلب آن قرار دارد، باعث بروز مشکلات فراواني در عرصه روابط بين-الملل در سطح نظري و عملي شده است. از طرف ديگر، سازه انگاران به-نقد ديده-گاه-هاي پست-مدرن ميپردازند و تلاش آن-ها براي کاهش همه-چيز به مباحث فرهنگي و گفتماني را اقدام نادرست ديگري مي-دانند. (رضايي و ترابي، 1389: 66)

بدین ترتیب، توجه سازه‌انگاران از یک سو به ایده‌ها، معانی، قواعد، هنجارها و رویه‌ها و تأکید آن‌ها بر نقش عوامل فکری است که آن‌ها را در برابر مادی‌گرایی حاکم بر جریان اصلی در روابط بین‌الملل قرار می‌دهد و درعین حال به دلیل پذیرش اهمیت واقعیت مادی آن‌ها را از پس‌اساختارگرایان متمایز می‌سازد. (مشیرزاده، 1383: 118) لذا در یک دیدگاه بینابین، موجودیت‌های اجتماعی اگر بعد مادی هم داشته باشند یک جنبه گفتمانی نیز دارند؛ یعنی جدا از دلایل و فهم کنشگران نیستند اما درعین حال، به این معنا نیست که قابل تقلیل به فهم این کارگزاران می‌باشند و همان گونه عمل می‌کنند که آن‌ها می‌پندارند. (مشیرزاده، 1383: 116) و نت نیز در کتاب خود، نظریه سازه‌انگاری را نوعی "ایدئالیسم ساختاری" می‌داند. بعد ایدئالیستی آن به این معناست که معتقد است ساختارهای اجتماعی، محصول انگاره‌های مشترک انسانی است و بعد ساختاری آن به این معناست که معتقد است نهادها و قواعد مستقر (ساختارها) دارای سرشتی عینی و محدودکننده برای بازیگران هستند. (ونت، 1384: 9-80) سازه‌انگاران امیدوارند با واردکردن ساختارها، بازیگران، هویت‌ها، منافع و اندیشه‌ها در عرصه بازی بتوانند تغییرات مهم ایجادشده در الگوهای رفتاری را تشریح نمایند، حتی زمانی که توزیع قدرت همچنان دست نخورده و بدون تغییر مانده باشد.

سازه‌انگاران بر این باور که پدیده‌ها ساخته می‌شوند، بنابراین، در اینجا، فرهنگ بسیار مهم‌تر از طبیعت است. درحالی‌که برای واقع‌گرایان فرهنگ و هویت در بهترین حالت محصول توزیع توانمندی‌هاست و هیچ قدرت تبیینی مستقلی ندارد و کنشگران فرهنگ و هویت را به مانند هر منبع دیگری صرفاً برای پیشبرد منافع شخصی خودشان در جایگاه استراتژیک قرار می‌دهند، (معینی و راسخی، 1389: 189) برای سازه‌انگاران سازه‌های تمدنی، عوامل فرهنگی و هویت‌های دولتی با اینکه چگونه به منافع دولت‌ها شکل می‌دهند مهم‌اند. این عوامل نوعی جهان‌بینی ایجاد کرده و بر الگوهای تعامل بین‌المللی اثر می‌گذارند. به عنوان نمونه هر چه احساس بیگانگی دولتها نسبت به هم بیشتر باشد، بیشتر به سمت رویه‌های امنیت جمعی اشتیاق نشان می‌دهند و در نتیجه همکاری میان آن‌ها تقویت میشود و بالعکس، هر چه از هم احساس دوری بیشتری داشته باشند، روابطشان مبتنی بر خودمحوری بیشتری خواهد بود. (مشیرزاده، 1384: 333 و 332) فرهنگ به عنوان بخش مهمی از تعاملات میان کنشگران از یک سو میتواند با ایجاد هویتها و نقشهای غیر خصمانه و دوستانه منجر به صلح و گسترش همکاریهای بین کنشگران در عرصه بین‌الملل شود.

تعریف تمدن نوین اسلامی

تمدن از جمله مفاهیمی است که به دلیل غامض بودن، تعاریف متعددی از آن ارائه شده است؛ برخی تمدن را

با علم و فنّاوري يکي انگاشته‌اند، برخي آن را محدود به قدرت سياسي کرده‌اند. برخي مانند تيلور، تمدن را به عناصر و مؤلفه‌هاي تمدني مثل هنر، اخلاق، آداب‌ورسوم تعريف کرده‌اند و برخي مانند آلفرد وبر به ويژگي‌هاي تمدني توجه داشتند و کساني مانند هومبولت در تعريفشان از تمدن به قلمرو آن اشاره کرده‌اند؛ بنا بر اين، در تعريف تمدن اختلاف رويکرد وجود دارد. (جهان‌بين، 29-1393: 46) تمدن از واژه لاتين (civitas) معادل کلمه (poleis) يونان قديم است. يونانيان باستان با استفاده از کلمه تمدن نشان دادند که شهر را مجموعه‌اي از نهادها و روابط اجتماعي مي‌دانند که سازنده شکلي برتر از زندگي است. با توجه به اين نکته، تمدن معاني مختلفی داد ولي اصلي‌ترين معنای آن شهرنشين شدن و اقامت در شهر است و بر همين اساس، اين کلمه معادل شهر آييني و به معنای حسن معاشرت است. (جان احمدي، 1386: 24).

تمدن‌ها بر اساس نوع تکوين، اشکال مختلفی دارند و هريک داراي ويژگي‌هايي هستند که مي‌توان به‌وسيله آن تمدن‌ها را از يکديگر بازشناخت و تقسيم‌بندي نمود. تمدن اسلامي از نوع تمدن‌هاي يکجانين مبتني بر حيان ديني و ايدئولوژي درون ديني است. از اين‌رو تمدن اسلامي، تمدني ديني است که پايه و اساس آن بر محور دين اسلام پايه‌ريزي شده است؛ همان‌طوري که مدينه النبي بر اساس همين ارکان و مؤلفه‌ها شکل گرفت (تقي نيا، صوفي، رستمي، 3-1393: 20). تمدن اسلام به‌عنوان نمونه کامي از تمدن ديني شاخصه‌هايي دارد که آن را از ديگر تمدن‌ها متمايز مي‌کند. اين شاخصه‌ها منبعث از قرآن و سنت بوده و از اين‌جهت مي‌تواند پاسخگوي پرسش‌هاي فراروي بشر باشد و الگو و نمونه‌اي براي سايرين محسوب شود. عمده‌ترين شاخص‌هاي تمدن اسلامي عبارت‌اند از: خدامحوري و الهي بودن، عدالت‌گستري، اخلاق‌مداري، مدارا، تعقل و اندیشه ورزي. (تقي نيا، صوفي، رستمي، 3-1393: 20).

در جمع‌بندي تعريف تمدن مي‌توان آن را حاصل امتداد فرهنگ و پذيرش نظم اجتماعي دانست که در آن از مرحله باديّه‌نشيني خارج و در شاهراه نهادينه شدن امور اجتماعي و مدنيت گام گذاشته مي‌شود. بر اين اساس، تمدن حاصل عينيت يافتگي و امتداد مباني شناختي هنجاري است که در آن به سؤالات بنيادين هستي شناختي، انسان‌شناختي و معرفت‌شناختي پاسخ داده مي‌شود و بر آن اساس، ارزش‌ها و نيز هنجارها که نسبت به ارزش‌ها انضمامي‌تر است، تعيين مي‌گردد. در گام بعدي مبتني بر مباني هنجارهاي شناختي، نظام‌هاي نظري - عملي توليد مي‌گردد و بر آن اساس، نهادها شکل مي‌گيرند و نهادها متکفل بازتوليد نظام‌هاي نظري عملي‌اند. تفاوت‌هاي تمدن از همين‌جا نشأت مي‌گيرند و به عبارتي مدل‌هاي نظري عملي گوناگون، تمدن‌هاي مختلف را شکل مي‌دهند. به عبارت ملموس‌تر، تمدن‌ها اشکال انضمامي شده مدل‌هاي نظري‌اند که انتزاعي هستند. (جهان‌بين، 29-1393: 46)

پیش‌نیازهای شکوفایی تمدن نوین اسلامی

برای نقش‌آفرینی تمدن نوین اسلامی در نظام تصمیم‌گیری جهانی شایسته است مواردی از قبیل هنجار سازی، تعمیم ارزش‌های مشترک عینی و آرمانی مطلوب در فرهنگ جهانی، تکیه بر قدرت معنوی و تقویت معنویت‌گرایی و معناگرایی، پیوند دین و سیاست، احیای هویت تمدنی و نقش‌آفرینی اندیشه اسلامی در عرصه گفتمان سازی و نظریه‌پردازی، نفی انگیزه‌های قومی و نژادی و پرهیز از دامن زدن به اختلافات مذهبی و فرقه‌های و تبیین جهان‌شمولی اسلام در همه ساحات زندگی بشر موردعنايت قرار گیرد لیکن در این مبحث تلاش می‌شود که پیش‌نیازهای اجرایی بالندگی تمدن نوین اسلامی شامل: توسعه عدالت محور، آموزش، همگرایی اعتدال محور و اهتمام به فضای مجازی مورد تأکید قرار گیرد:

الف: توسعه عدالت محور:

عدالت به معنای قرار دادن هر چیزی در جای خود ارزشی مطلق اما طریقی است. اصول عدالت قواعدی عینی، مطلق، عام و فراگیر هستند و دریچه حقیقتی ماورایی را عرضه می‌دارند که معیار درستی و نادرستی طرز رفتار آدمیان است؛ بنابراین عدالت دارای ارزش ذاتی است و حقیقت نفس الامری به شمار می‌آید اما طریقت دارد چون از این طریق است که فضیلت‌های انسانی شکوفا می‌شود و جامعه مسیر خیر و صلاح را می‌پیماید. درواقع، عدالت برمدار اصول و مفاهیم فطری استوار است زیرا که مفهوم مشترک انسانی است و ناشی از امور ثابتی است که در سرشت انسان به ودیعت نهاده شده است. ازاین‌رو، تمدن نوین اسلامی اساس توسعه را بر عدالت اجتماعی و نفی تبعیض نژادی یا قومی و ریشه‌کنی فقر برای برساختن آینده‌ای امت محور قرار داده است.

در صورت توسعه عدالت محور است که تمدن نوین اسلامی قادر است آینده‌ای را رقم زند که مفاهیم خطی پیشرفت را با مفاهیم دوری توسعه در بستر زمان همبسته و هم پیوند سازد و رشد اقتصادی را با توزیع اقتصادی، تعالی معنوی و توسعه سیاسی همگون و سازگار گرداند. توجه به حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان و تقویت جامعه مدنی برای پاسخ دیالکتیکی آن به نقش‌آفرینی اسلام سیاسی و رعایت کرامت انسانی و ارتقای معنویت آگاهی و درنهایت رعایت اعتدال و توازن در جامعه یعنی دوری از

افراط و تفریط از جمله پیامدهای توسعه عدالت محور است که موجب برقراری نوعی موازنه صحیح در مناسبات اجتماعی بر اساس شایسته سالاری و فضیلت مداری می‌شود. (Enayat, 1982:29)

ب: آموزش:

نقش آموزش در بالندگی تمدن نوین اسلامی انکارناپذیر بوده است زیرا عمق پیام واقعی اسلام با علم آموزی عجین بوده است. آموزش مناسب می‌تواند زمینه جامعه پذیری مطلوب را بر اساس اخلاقیات و اندیشه خلاق، سازنده و انتقادی، پیوند اخلاق و مذهب در نظام آموزشی و تقدیم تربیت بر تعلیم به گونه ای فراهم سازد که امت اسلامی بتواند آگاهانه جایگاه خود را بازبیاورد. آموزش را می‌تواند یکی از راهکارهای انتقال هنجارها و ارزش های منحصر به فرد فرهنگی و شناساندن فرهنگ و تمدن اسلامی به جامعه بین المللی دانست، به گونه ای که بر برداشت ها، ادراکات، افکار، انگاره ها، ایده آل ها، ارزش ها، ایستارها و باورهای دیگر تمدن ها تأثیر مثبت گذارد. با توجه به پیشینه و پیشگامی تمدن اسلامی در یادگیری و تحقیق و درنوردیدن مرزهای دانش، نقش آموزش را می‌تواند در رشد درخشان و سریع تمدن اسلامی برجسته دانست. به ویژه آنکه از مسجد تا بیمارستان و از رصدخانه تا مدرسه همواره مکانی برای یادگیری مسلمانان بوده است. در این رهگذر، پیوند نظام آموزشی مدرن و سنتی در کشورهای اسلامی می‌تواند تمام ظرفیت آموزشی جهان اسلام را به منصف ظهور برساند. توجه به دانشگاه تمدن ساز به عنوان نهاد فرهنگی علاوه بر نهادی آموزشی و پژوهشی، می‌تواند زمینه تربیت نسل جدیدی از شهروندان مسلمان و مسئولیت پذیر را فراهم آورد که ضمن دین آگاهی خواستار احیای عقل بر اساس حکمت یا حقیقت و با الهام از وحی الهی هستند.

در این رهگذر، شایسته است تمدن غربی مساهمت و مشارکت پیشین تمدن اسلامی را در عرصه های علمی و آموزشی به رسمیت بشناسد. همان گونه که مقتضی است تمدن نوین اسلامی با اتکا به آموزه های دینی و علمی و دانش فنی و تخصصی، قابلیت خود را در برقراری پیوند میان گذشته، حال و آینده به منصف ظهور رساند. بدین معنا که از گذشته تاریخی برای رقم زدن آینده ای روشن استفاده کند. تمدن نوین اسلامی با توجه به نظام آموزشی هم پیوند بین مراکز علمی مدرن و سنتی و روش های تدریس ابتکاری موجود در هر کدام و با عنایت به ماهیت جهان شمول خود می‌تواند بقیه جهان را تحت تأثیر قرار دهد. همان گونه که با دیگر تمدن ها به تعامل علمی و آموزشی بپردازد. در این صورت است که نخبگان مسلمان می‌توانند به تصویرسازی مناسب از تمدن نوین اسلامی همت گمارند و با اتکا به دیپلماسی علمی و دانشگاهی موجبات ارتقای قدرت نرم جهان اسلام را فراهم آورند.

ج: همگرایی اعتدال محور:

رویکرد اعتدالی تمدن نوین اسلامی را می‌توان به معنای رعایت توازن و پرهیز از افراط و تفریط در ساختارها دانست. از آنجاکه قرآن کریم ویژگی امت اسلامی را امت وسط می‌داند (سوره بقره، آیه 143) و از راه راست به عنوان راه میانه یاد کرده است (سوره قصص، آیه 22) و پیامبر اکرم (ص) نیز سیره خود را بر میانه روی و اعتدال در امور قرار داده‌اند، مشی اعتدالی از رهگذر تلاش برای یافتن یک راه حل اصولی و منطقی و اقدام سنجیده با تدبیر و تفکر و بهره‌گیری از قدرت منطق و استدلال به عنوان منبع عظیم قدرت نرم می‌تواند موجب ایجاد روابط جدیدی بر پایه فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی و تولید ایده‌ها و گفتمان‌های جدید فرهنگی برای تنظیم قواعد و هنجارهای بین‌المللی شود. تأکید بر هم‌افزایی و هم‌تکمیلی فرهنگ‌ها و اهتمام به مشترکات فرهنگی در عین احترام به تنوع فرهنگی می‌تواند فرهنگ اعتدال و صلح را در سطح بین‌المللی نهادینه سازد و زمینه تقویت فرهنگ تقریب بین مذاهب اسلامی را همزمان با تقارب با دیگر ادیان الهی فراهم آورد. در این رهگذر، ترویج شیوه تعامل با دیگران بر اساس نفی افراطی‌گری و مقابله با جریان‌های ارباب و ارباب و تکفیر و مبارزه با گرایش‌های فکری افراطی، تندرو و تروریستی می‌تواند چهره‌های متعادل را از تمدن نوین اسلامی عرضه دارد و نقش مؤثری را در ذهنیت‌سازی ایجابی نزد افکار عمومی بین‌المللی ایفا نماید.

اعتدال محوری با تکیه بر منافع مشترک و متقابل و نهادینه‌سازی همکاری‌های درون تمدنی و تقویت گفتگوی مسلمانان با یکدیگر موجب تقویت همگرایی جهان اسلام بر اساس بازیابی اصول مورد توافق می‌شود و زمینه انسجام و یکپارچگی تمدنی را فراهم می‌آورد. همگرایی اعتدال محور در تمدن نوین اسلامی موجب گسترش همبستگی میان مذاهب اسلامی با یکدیگر و از بین بردن خصومت و تعصبات فرقه‌های میان پیروان مذاهب اسلامی می‌شود.

د: اهتمام به فضای مجازی:

در دنیای کنونی با توجه به درهم تنیدگی نظام اطلاعاتی و ارتباطاتی در عصر جهانی‌شدن، انسان‌ها در اثر فناوری ارتباطات این امکان را به دست آورده‌اند که بدون واسطه با یکدیگر سخن‌گویند، ارتباط برقرار کنند، از افکار و دیدگاه‌های هم مطلع شوند و بر یکدیگر تأثیرگذارند. همین قدرت جادویی رسانه‌های نوین است که آن‌ها را به سلاح مؤثر فرهنگی بدل کرده است. تمدن نوین اسلامی قابلیت آن را دارد که با بهره‌گیری از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به تبیین ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در جامعه بین‌المللی مبادرت کند. ارتباط معنادار تمدن نوین اسلامی با مخاطبان و نفوذ معنوی و فکری

در آنان به گونه‌ای که افق‌عقل و جذب مخاطبان را در پی داشته باشد، موجبات شکل‌گیری شهروندان شبکه‌ای (Netizens) را در دنیای جهانی شده فراهم می‌آورد. در این رهگذر، مخاطب پژوهی در فضای مجازی به عنوان فرآیندی ارتباطی با عنایت به منابع و نیازهای مختلف درون تمدنی و توجه به افکار عمومی بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار است. (حقیقت، 1376: 433)

ارائه اسلام به عنوان مدلی آلترناتیو که بر رحمانیت، تکثرپذیری، اجتماع‌محوری و قدرت نرم استوار است، می‌تواند دو فضای واقعی و مجازی را به یکدیگر پیوند دهد و بذره‌های جامعه جهانی را در پهنه گیتی بگستراند. این مهم نیازمند اهتمام به کثرت ارتباطات و مبادلات و افزایش تحرک و مشارکت در فضای مجازی با تکیه بر اشاعه باورهای وحیانی و ارزش‌های اخلاقی و با بهره‌گیری از روش‌ها و مهارت‌های ارتباطی خلاق و سازنده با مخاطبان است. تمدن اسلامی می‌تواند با عملیات نرم‌افزاری به ویژه بهره‌گیری از فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای و ابزارهای نوین رسانه‌ای به افکار عمومی بین‌المللی جهت دهد و با ترویج اسلام معتدل و عقلانی و تمدن ساز به سازمان‌دهی ادراک نخبگان سیاسی و گروه‌های اجتماعی بین‌المللی بپردازد. در عین آنکه با انگاره سازی تهاجمی علیه استکبار جهانی به سوق دادن فضای اطلاعاتی در جهت افکار عمومی جهانی بپردازد. چنین رویکردی موجب تغییر ذهنیت‌ها و اندیشه‌ها و تصویرسازی مثبت، انتقال مؤثر پیام، مدیریت زمان در فرآیند مخاطب پژوهی و فتح فضاهای آینده با توجه به ارتباطات مدرن و فناوری‌های نوین ارتباطی می‌شود. نقش بی‌بدیل فناوری‌های نوین در شبکه‌سازی اجتماعی و فرهنگی و انتقال پیام تمدن نوین اسلامی و نمایان شدن دستاوردهای علمی، اندیشگی، اجتماعی و سیاسی آن به نخبگان جهان در فراسوی مرزهای بین‌المللی فرصتی است که بهره‌گیری از آن موجب تقویت ظرفیت تمدن نوین اسلامی در دنیای مجازی می‌شود.

یا فته‌های پژوهش

فرصت‌های شکوفایی تمدن نوین اسلامی

تمدن اسلامی پس از قرون متمادی درخشش در عرصه جهانی، روندی نزولی را طی نمود، درحالی‌که جهان غرب پس از انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های فناوریانه و ایجاد و بهره‌برداری از ابزارهای مختلف، قدم‌های بزرگی در راه آسایش و رفاه زندگی مادی انسان‌ها برداشت. ضعف‌های داخلی حکومت‌های اسلامی و خودکم‌بینی مفرط ملت‌های مسلمان در رویارویی با پیشرفت‌های غرب، باعث گردید عده‌ای از غرب‌زدگان راه پیشرفت را در پیروی از این تمدن جدید بدانند. با این وصف، علی‌رغم تمام پیشرفت‌های صورت گرفته در ایجاد آسایش مادی، امروزه بشر نتوانسته به آرامش واقعی که همانا آرامش روحی و روانی است

دست یابد. علی‌رغم تمام پیشرفت‌های صورت گرفته در ایجاد آسایش مادی، امروزه بشر نتوانسته به آرامش واقعی که همانا آرامش روحی و روانی است دست یابد.

1. تمدن سازی نوین اسلامی به‌مثابه پیشرفت همه‌جانبه

در جهت ایجاد و شکوفایی تمدن نوین اسلامی، ضروری است که به‌طور همزمان هر دو جنبه ابزاری و حقیقی تمدن موردتوجه قرار گیرد. جنبه ابزاری آن گروه از ارزش‌هایی است که در نظر اغلب افراد شاخصه‌های پیشرفت محسوب می‌گردد، مواردی نظیر علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ. جنبه حقیقی تمدن، شاکله‌های اصلی زندگی یا همان سبک زندگی است که از مواردی همچون مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط و زبان، مسئله‌ی کسب‌وکار و رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان‌ها تشکیل می‌شود. در تمدن سازی نوین اسلامی، علاوه بر تلاش در عرصه پیشرفت در جنبه ابزاری، اهتمام اصلی در جنبه حقیقی تمدن که همانا سبک زندگی انسان است باید صورت گیرد.

2. عوامل و زمینه‌های شکوفایی تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی بر پایه ارائه سبک زندگی اسلامی شکل می‌گیرد. برجسته‌ترین عواملی که از نظر نگارنده این سطور عمل به آن‌ها بسترساز شکوفایی تمدن نوین اسلامی می‌گردد عبارت‌اند از:

- 1-2. خودباوری و باور به موفقیت: آنچه باعث می‌گردد هر فعالیتی به سرانجام مطلوب خود برسد داشتن خودباوری و باور به موفقیت است. این باور در ذات خود نیرویی به انسان می‌دهد که تلاش او را چندین برابر می‌نماید. برای انجام هر کار، باید اول باور پیدا کنیم که این کار، می‌تواند انجام شود. اعتقاد داشتن به این‌که کاری می‌تواند انجام پذیرد، ذهن را برای یافتن راه انجام آن به حرکت وا می‌دارد. وقتی به کاری باور داشته باشید، فکرتان راه‌های انجام آن را پیدا می‌کند. این آزمایش، تنها یک نتیجه دارد و آن این‌که وقتی بپذیرید که چیزی ناممکن است، فکرتان در پی دلایلی می‌گردد که این مطلب را اثبات کند؛ ولی وقتی باور حقیقی داشته باشید که کاری شدنی است، فکرتان راه‌های انجام آن را می‌یابد. باور داشتن به امکان تحقق مسائل، در حقیقت، جاده را برای راه‌حل‌های خلاق، هموار می‌سازد؛ درحالی‌که باور داشتن به عدم تحقق آن‌ها، تفکری ویرانگر است.

باور به اینکه می‌توان تمدن نوینی در جهان اسلام ایجاد نمود مسیر حرکت را روشن و هموار خواهد نمود.

2-2. عمل به تعالیم قرآن: در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به عنوان تبیین‌کننده همه نیازهای آدمی در رأس منابع دینی قرار دارد. سرگذشت تمدن‌های پیشین و مطالعه تاریخ آنان به خوبی ضرورت عمل به تعالیم قرآن را بر ما آشکار خواهد نمود. بشر برای رسیدن به کمال نیازمند برنامه‌ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد و تکیه بر آن در مسیر نیل به کمال حرکت کند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تِبْیَانًا لِّكُلِّ شَیْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِّلْمُسْلِمِینَ» «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است». (نحل: 89) بر این اساس، برای ساختن تمدن نوین اسلامی می‌بایست سبک زندگی اسلامی را با بهره‌گیری و عمل به مفاهیم قرآنی طرح‌ریزی نمود. توجه به مفاهیم قرآنی در عرصه‌های مختلف زندگی و به کار بردن آن‌ها می‌تواند راهگشای بشر در برون‌رفت از بیراهه‌هایی باشد که تمدن مادی غرب پیش روی انسان‌ها قرار داده است. این کتاب آسمانی به اصول اخلاقی فردی و اجتماعی انسان نیز اشارت دارد؛ از این حیث ضرورت دارد که انسان با قرآن مأنوس باشد. دوری از معنویات باعث گردیده است که علی‌رغم همه پیشرفت‌های علمی و صنعتی، عدم دستیابی به آرامش، جامعه غرب را در پی معنویات بکشاند. این نکته از روند رو به گسترش روی آوردن به اسلام در این جوامع به خوبی آشکار است.

3-2. اهتمام در به کارگیری عقلانیت اسلامی: از منظر اسلام عقلانیت ناظر به قوه عاقله درون انسان است که به کارگیری آن، یعنی تعقل، انسان را به سوی خدا سوق می‌دهد و بندگی او را به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین عقلانیت اسلامی بدین معنی است که انسان با بهره‌مندی از قوه عاقله در جهت گرایش‌های عالی انسانی و الهی تعقل می‌کند و حیات فردی و اجتماعی خود را به سوی خدا و بندگی او سوق می‌دهد. «درواقع تمدن اسلامی بدون عمومی شدن عقلانیت اسلامی به وجود نمی‌آید، لذا امروز وظیفه دانشمندان و روشنفکران مسلمان است که از یک سو در عقلانیت اسلامی به کاوش بپردازند و با اتکا به معارف فقهی و اصولی و همچنین با استفاده از دستاوردهای علمای اسلام در فلسفه، عرفان و حدیث و ... و معارفی که امروز بشر بدان‌ها نائل شده، ماهیت عقلانی اسلام را کشف و اجزا و ارکان آن را دریابند و از سوی دیگر این معرفت را در حد مبانی و اصول که در عمل قابل کاربرد باشد برای عموم تشریح کنند.» (لاریجانی، 1370: 23). از این رو در دوران معاصر با توجه به سیطره تمدن غربی بر دنیا می‌بایست پیش‌قراولان عقلانیت اسلامی به دنبال شناخت و ارائه ساختارهای نوین تمدن اسلامی و تلاش در جهت مقبولیت عمومی آن باشند. (همان، لاریجانی، ص 17)

4-2. اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام در گستره عقل معاش (سبک زندگی اسلامی): در تمدن سازی جدید اسلامی، هدف اصلی اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام است. به کار بستن بی کم و کاست تعالیم اسلام باعث آن خواهد شد که از رویگردانی از اسلام به بهانه های مختلف جلوگیری گردد. اسلام هراسی که امروزه به شدت از سوی بنگاه های تبلیغاتی غرب ترویج می گردد ناشی از برخی کج فهمی ها و کج روی ها در عمل به تعالیم اسلام است. در گستره زندگی فردی و اجتماعی انسان، از اصطلاح عقل معاش نام برده شده است. عقل معاش را می توان در مفهوم جامع خود مترادف سبک زندگی دانست، زیرا ناظر به مهم ترین محورهای سبک زندگی است، عقل معاش به تعبیری همان عقل زندگی، عقل اقتصادی و عقل اجتماعی است که به فردی که در جامعه زندگی می کند و به نوعی درگیر مسائل اقتصادی و اجتماعی است توانایی فعالیت مؤثر را می دهد. عقل معاش با شاخص هایی مانند الگوی مصرف، کار و تولید، شیوه گذران اوقات فراغت، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی، بهداشت، سلامت و بسیاری از مسائلی که در متن زندگی ما مطرح است ارتباط دارد. در این عرصه با توجه به تأکیدات پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) می توان موارد زیر را مورد اشاره قرار داد:

4.1.2. انضباط کاری: انسان در حوزه کاری خودش باید از انضباط و وجدان کاری برخوردار باشد و هر کاری را با استحکام و درستی انجام دهد. از آثار و نتایج نظم و انضباط، محکم کاری است. کسی که منظم و منضبط است، کارهایش را به گونه ای انجام می دهد که استوار و پایدار باشد. چنین کسی، از سستی و سهل انگاری در کار بیزار است. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: «ان الله تعالى يحب اذا عمل احدكم عملا ان يتقنه» (کنز العمال، هندی، ج 3، ص 907) «به درستی که خداوند دوست دارد وقتی یکی از شما کاری را انجام می دهد، آن را محکم و استوار کند.»

4.2.2. تناسب نوع کار با استعداد آدمی: استعداد فرد با نوع کاری که دارد باید تناسب داشته باشد. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل شده است: «اعملوا فكل منكم مؤسسّر له ما خلق له» (بحار الأنوار، مجلسی، ج 4، ص 282) همه شما کارکنید، اما متوجه باشید که هر کس برای کاری آفریده شده است که آن کار را بهتر و با سهولت انجام می دهد.

4.3.2. پرهیز از بطالت و بیکاری: پیامبر به شدت از تنبلی و بی کاری متنفر بودند و می فرمودند: «اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْخُزْنِ وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ» (من لا يحضره الفقيه، ابن بابویه، ج 1، ص 335) «خدا یا از غم و اندوه و ناتوانی و تنبلی به تو پناه می برم.» باور ما این است که تنبل در رسیدن به آرزوها ناکام می شود، کاهلی به نوعی مردن پیش از وقت است، آفتی مانند دلسردی، ملولی و تباهی و نیازمندی را به دنبال دارد. اندیشه یک انسان بیکار

کارگاه شیطان می‌شود. در نزد خدا انسانی که اساس زندگی را بر بیکاری می‌گذرانند، جایگاهی ندارد. پیامبر (صلی‌الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید: «خدا جوان بیکار کاهل را دوست ندارد». (جامع السعادات، نراقی، ج 1، ص 152). در جامع الاخبار آمده است: روزی پیامبر (صلی‌الله علیه و آله وسلم) یکی از یاران خود را دید و سؤالاتی کرد و جواب داد و پیامبر (صلی‌الله علیه و آله وسلم) گفتند: شغل یک چيست؟ گفت بیکارم حضرت فرمودند: «سقط عن عيني» از چشمم افتادی. (جامع الاخبار، شعیری، ص 390) لذا انسان در کار و تولید باید نقش مؤثری را ایفا کند و نقش‌آفرینی مؤثر یک فرد می‌تواند عقل معاشش را سامان دهد.

2-5. پرهیز از تقلید: لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی پرهیز از تقلید از تمدن‌های غربی است. در دوره‌ای فردی مثل تقی زاده که در بین چهره‌های روشنفکر غرب‌گرا، از شهرت خاصی برخوردار است، نه تنها شعار «از ناخن پا تا موی سر باید غربی شد» را سرداد، بلکه به تعبیر خود اولین بمب تقلید از غرب را در ایران منفجر کرد. (تقی زاده، علوی، 1385: 23) در نهایت به این آموزه‌ها نیز عمل نمود و تلاش فراوانی در همسان‌سازی اعمال و رفتار مردمان با شیوه‌های تمدنی غرب صورت داد اما نتیجه‌ای جز تعارضات اجتماعی را در بر نداشت. تقلید کورکورانه و تناسب نداشتن فرهنگ و تمدن غربی با فرهنگ اسلامی جاری در ایران موجب ازهم‌گسیختگی اجتماعی شد. تهاجم فرهنگی یکی از مظاهر تلاش برای تحمیل سبک و سلوک زندگی غربی به سایر ملت‌هاست. (تقی زاده، علوی، 1385: 24)

2-5. اتکا به نیروی جوان: جامعه‌ای که در پی ساختن تمدن نوین اسلامی است ضرورت دارد در جهت رسیدن به این هدف متکی به خود باشد و خودباوری را در جامعه رواج دهد. نیروی جوان، سرمایه‌ای بس گران‌بها برای هر جامعه‌ای است. تمدن‌سازی نوین دارای مشکلات و دشواری‌هایی است که صبر و استقامت و پشتکاری می‌طلبد که جز با توسل به نیروهای تازه‌نفس و جوان امکان‌پذیر نخواهد بود. رسول اکرم (صلی‌الله علیه و آله وسلم) در حدیثی می‌فرماید: «اَوْسِعُوا لِلشَّيْبَانِ فِي الْمَجَالِسِ وَ اَفْهَمُوهُمْ الْحَدِيثَ فَالزَّهْمُ الْخُلُوفُ وَ اَهْلُ الْحَدِيثِ» برای جوانان در مجالس جای باز کنید و امور نو و جدید را به آنان تفهیم کنید، چراکه این گروه جایگزین شما و درگیر مسائل جدید خواهند شد. (دیلمی، شیرویه: 1998، 98)

یکی دیگر از شاخصه‌های نیروی جوان تیزفهمی اوست. حضرت علی (ع) خطاب به یکی از کارگزارانش می‌فرماید: هرگاه کاری برایت پیش آمد و نیاز به مشورت پیدا کردی، در آغاز آن را با جوانان، در میان گذار؛ زیرا آن‌ها تیزفهم‌تر و با فراست‌ترند سپس آن را در معرض نظر سالخوردگان و پیران قرار ده تا در معرض ارزیابی قرار دهند، چه آنکه تجربه ایشان بیشتر است. (ابن ابی الحدید، 1387 حکمت

2-7. استفاده از مسجد به عنوان پایگاه مقبول اجتماعی: اگرچه مساجد معمولاً به عنوان مکان‌های مقدس و کانون‌های عبادت و انجام اعمال و مراسم مذهبی در نظر گرفته می‌شوند، اما از کارکردهای مهم آموزشی و فرهنگی آن در طول تاریخ نمی‌توان چشم‌پوشی نمود. کارکردهایی که امروزه نیز می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. تا قبل از تشکیل مدارس به طور رسمی، مساجد نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشرفت علمی و آموزشی بلاد اسلامی به عهده داشته‌اند چراکه محتوای علمی که در دوران ابتدایی ظهور اسلام نشر داده می‌شد در ارتباط با مسائل مذهبی و دینی و معارف مرتبط با قرآن بوده است. بر طبق منابع و متون تاریخی، نخستین مراکز تعلیم و تربیت در اسلام، مسجد و محور این آموزش و پرورش قرآن کریم بوده است. به در ابتدا حوزه‌ها و حلقه‌های درس در مساجد تشکیل می‌شد، احیاناً مجالس مناظره نیز در همان مساجد بود که پاره‌ای از آن‌ها کتابخانه‌های عظیم نیز داشتند. (همایی، 1368:3)

برای ایجاد، گسترش و همگانی نمودن تمدن نوین اسلامی در جوامع اسلامی لازم است به این پایگاه مهم دینی اجتماعی توجه کافی مبذول گردد. حسنین هیکل در این باره می‌نویسد: در کشورهای اسلامی نهادی به چشم می‌خورد که قدرت، قادر به دسترسی بدان نمی‌باشد و آن نهاد مسجد است. با این نهاد نمی‌توان مذاکرات پنهانی داشت و یا به آن رشوه داد، زیرا انجام چنین عملی به مثابه توهین به عمیق‌ترین و گرامی‌ترین اعتقادات مردم است. مسجد برای اجتماع مردم مکانی فراهم آورد که حتی از دسترس مؤثرترین پلیس مخفی به دور است. مردم به قیمت جان‌شان از مسجد دفاع می‌کنند. (هیکل، 1368:236) بنا بر این امروزه مساجد هرچند که به عنوان نهادهای سنتی در جامعه قلمداد می‌شوند، اما با ارائه کارکردهای مثبت و متناسب با نیاز روز جامعه می‌توانند هم سطح با رسانه‌های مدرن و چه بسا پیشروتر ظاهر شوند چراکه به واسطه ارتباطات مستقیم میان ارتباط گران و مخاطبان، روابط چهره به چهره و دریافت بازخوردهای فوری و تأثیرات عاطفی و احساسی می‌توانند به عنوان نقطه اتکا و مرکز ثقل سازمان جامعه به ایفای نقش پردازند و بنیان‌های اساسی یک تمدن نوین اسلامی را پایه‌ریزی کنند.

بنابراین با تمرکز بر جنبه‌های ابزاری و حقیقی تمدن نوین اسلامی آن به این نتیجه دست می‌یابیم که آنچه به عنوان بخش اصلی و حقیقی تمدن که زیربنا و محرک اساسی جنبه ابزاری تمدن نیز می‌باشد همانا اهتمام به سبک زندگی است. آنچه تمدن غرب با وجود تمام پیشرفت‌های خود، نتوانست به آن دست یابد عدم اعطای آرامش معنوی و روحی به انسان به واسطه عدم توجه به جنبه‌های حقیقی تمدن و رعایت اصول و مبانی الهی در سبک زندگی انسان و دوری از اخلاق و معنویات است. از این رو در جهت شکوفایی و گسترش تمدن نوین اسلامی می‌بایست عوامل و زمینه‌های زیر در ارائه سبک زندگی اسلامی و ایجاد تمدن نوین

موردتوجه قرار گیرد؛ نیاز به ایمان، عمل به تعالیم قرآن، اهتمام در به کارگیری عقلانیت اسلامی، اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام، پرهیز از تقلید، خودباوری و اتکا به نیروی جوان و استفاده از مسجد به عنوان پایگاه مقبول اجتماعی.

آسیب شناسی، چالش ها و موانع تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی بر آن است که با بهره گیری از دستاوردهای مفید تمدن مادی غرب، به ایجاد تمدنی نوین بپردازد که بتواند تمامی جنبه های تمدنی را دربرداشته باشد. برای حرکت تمدن نوین اسلامی در مسیر صحیح، آسیب هایی نظیر عدم پیروی از رهبری واحد، چالش هایی مانند فرهنگ مهاجم غربی و اختلاف افکنی در میان مسلمانان و موانعی چون مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و عدم توجه به عقلانیت دینی وجود دارد. توجه به نقش رهبران دینی، فکری، فرهنگی و گروه های مرجع و نخبگان در هدایت مردم راهکار اصلی فرهنگ سازی در جامعه و مقابله عملی با مشکلات و موانع است. تمدن نوین اسلامی که جوانه های شکوفایی آن با انقلاب اسلامی ایران پدیدار گردید، در سال های اخیر با بروز جنبش ها و قیام های مردمی در میان ملت های مسلمان جهان که با نام بیداری اسلامی شناخته شده است روندی رو به رشد به خود گرفته است. با الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت های شگرفی که با اتخاذ نگرشی نوین در فرایند تمدنی جهان صورت گرفته است، جرقه های بازیابی شوکت و عظمت گذشته تمدن اسلامی زده شده است. با توجه به عدم اقناع فکری و فرهنگی بشر از طریق پیروی و بهره گیری از تمدن های موجود و رویکرد و اقبال گسترده و روزافزون جوامع بشری به اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی که موجبات نگرانی دولت های غربی را نیز فراهم نموده است، لزوم هوشیاری و توجه دقیق در مسئله ایجاد، پرورش و گسترش تمدن نوین اسلامی بیش از پیش نمایان است.

1. تعریف آسیب، چالش و مانع:

اگر بخواهیم به اختصار تعریفی از این سه واژه و تفاوت آن ها بیان کنیم می توان چنین گفت که آسیب اجتماعی هر نوع رفتاری است که با ارزش های شناخته شده جامعه در تعارض باشد و باعث اختلال در کارکرد فرد، خانواده یا جامعه بشود. درواقع آسیب مسئله ای درونی است که از درون تمدن ریشه گرفته و مرتبط با شیوه رفتار مردمان است. از سوی دیگر چالش به مشکلات بزرگ و بغرنجی گفته می شود که در مسیر یک جریان یا حرکت ایجاد می شود و مقابله با آن ها و حل مشکل با دشواری های زیادی روبروست. چالش

می‌تواند از سوی هر دو نوع عوامل دور نی و بیرونی ایجاد گردد، هرچند اغلب چالش‌ها از بیرون تحمیل می‌شوند. سومین واژه، مانع، همچنان که از خود کلمه برمی‌آید به معنای بازدارنده و جلوگیری کننده است و چیزی است که باعث توقف حرکت و سد شدن یک جریان می‌شود. از این‌رو و با توجه به تفاوت‌های این سه دسته به بیان مهم‌ترین عوامل هر کدام می‌پردازیم.

آسیب اجتماعی هر نوع رفتاری است که با ارزش‌های شناخته شده جامعه در تعارض باشد و باعث اختلال در کارکرد فرد، خانواده یا جامعه بشود. چالش به مشکلات بزرگ و بغرنجی گفته می‌شود که در مسیر یک جریان یا حرکت ایجاد می‌شود. مانع چیزی است که باعث توقف حرکت و سد شدن یک جریان می‌شود.

2. آسیب‌های تمدن نوین اسلامی:

با عنایت به وضعیت فعلی ملت‌های مسلمان و جوامع اسلامی که در حال طرح‌ریزی و شکل بخشیدن به این تمدن نوین هستند می‌توان آسیب‌های زیر را برشمرد:

1-2. عدم پیروی از رهبری واحد: هرگونه حرکت اجتماعی و فرهنگی در حال شکل‌گیری، برای جلوگیری از تشتت و چندگانگی در مسیر حرکت، نیازمند آن است که از مبدأ واحدی هدایت و راهبری گردد.

در اینجا نباید این موضوع با تک‌محوری اشتباه گرفته شود. تمرکز و یگانه بودن اتاق فرمان چنین حرکت‌هایی لازمه به نتیجه رسیدن آن است. بدین معنا که ضروری است تفکرات و پیشنهادها مختلف و متنوعی که ممکن است از طریق متفکران و اندیشمندان و گروه‌های نخبه جامعه ارائه گردد در مرکز واحدی تجمع و موردنقد و بررسی قرار گرفته و نتیجه نهایی برای اجرا تعیین گردد تا بتواند موردقبول اکثریت جامعه قرار گیرد. در تفکر اسلامی - و به‌طور خاص شیعی- محوریت این تصمیم‌گیری ولایت‌فقیه است. (رضایی، 1386: 62). یکی دیگر از موانع احیای تمدن اسلامی، وجود برخی روایات و استنباط‌ها و برداشت‌های نادرست از روایاتی است که در منابع اسلامی آمده است؛ از جمله، روایاتی که پرچم‌داران قیام‌ها را، طاغوت معرفی کرده و یا قیام‌های قبل از ظهور حجت را شکست‌خورده تلقی می‌کند، درحالی‌که تمسک به چنین اخباری از جهاتی ممنوع است؛ چراکه برخی از آن‌ها جعلی و برخی هم به موضوع و حادثه شخصی مربوط است. بعضی از روی تفسیر صادر شده و قسمتی هم از برداشت‌های غلط ناشی بوده است. علاوه بر این، تمسک به چنین روایاتی با ادله قطعی عقلی و نقلی سازگاری ندارد؛ چراکه آیات و روایات زیادی مثلاً درباره امریه معروف و نهی از منکر، مبارزه و جهاد با دشمن و عدم پذیرش ظلم وارد شده است که با مفاد آن روایات در تعارض است.

بر مبنای این مقدمات، یکی از آسیب‌هایی که به شدت تمدن نوین اسلامی را تهدید می‌کند عدم پیروی از رهبری واحد و نداشتن اتاق فکر و تصمیم‌گیری است. در تاریخ موارد متعددی از تمدن‌ها و حرکت‌های تمدنی فکری و فرهنگی به چشم می‌خورد که در اثر تشتت آرا و عدم تصمیم‌گیری واحد، نتوانسته‌اند دوام چندانی داشته باشند. گروه‌های مرجع در جوامع از اهمیت فراوانی در عرصه فرهنگ‌سازی و ایجاد مدنیت نوین برخوردار می‌باشند. هرچه این گروه‌ها بهتر و بیشتر در مسیر صحیح و اسلامی حرکت کنند تمدن‌سازی نوین اسلامی با دقت و سرعت بالاتری صورت خواهد گرفت. به یقین یکی از راه‌ها و راهبردهای اساسی مبارزه با تهدیدهای فرهنگی و مقابله با هجمه تمدنی و فرهنگی دنیای غرب، تأکید بر روی هویت و اصالت‌ها و ارزش‌های دینی جوامع اسلامی و بالطبع تجدید اعتلای تمدن اسلامی است، علی‌الخصوص بر ای نسل‌های جوان و نیز نخبگان و تحصیل‌کردگان جامعه که به عنوان گروه‌های مرجع شناخته شده‌اند. انحراف و غرب‌زدگی در میان این طبقه از جامعه منجر به ایجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمان‌های تمدن نوین اسلامی خواهد شد. (نقوی، 1363: 135). آنچه مسلم است این است که وظیفه گروه‌های مرجع در این حوزه بسیار خطیر است و بر آنان است که با توجه کامل بر این مسئله زمینه‌ساز ایجاد و گسترش تمدن نوین اسلامی گردند.

2-2. کم‌تحمّل بودن در رسیدن به نتیجه مطلوب: حرکت‌های فرهنگی و تمدنی، به واسطه ماهیتی که دارند فرایندی زمان‌بر داشته و نیازمند صبر، استقامت، پشتکار و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل فراوانی هستند. از جمله آسیب‌های جدی که این حرکت را به شدت با مخاطره روبرو می‌کند کم‌تحمّل بودن در رسیدن به هدف آرمانی و نتیجه مطلوب است.

2-3. انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیردینی برخی از جنبش‌ها: رویه حرکت‌های بیدارگرانه و ضد استعماری و با ماهیت مبارزه با غرب، به سرعت در حال افزایش و گسترش است. با توجه به سرعتی که این‌گونه فعالیت‌ها دارند تشخیص و دقت نظر در بطن حرکت‌ها و توجه به ماهیت آن‌ها بسیار ضروری است. سیاست‌زدگی و افسون قدرت باعث سوء استفاده از این‌گونه جریان‌های مردمی و خیزش‌ها به سویی تشکیل تمدنی نوین می‌گردد. (همان، ص 163) در بعضی از موارد پس از موفقیت اولیه حرکت، ماهیت واقعی آن به تدریج تغییر یافته و مبتنی بر منافع مادی و سیاسی که می‌تواند ملی‌گرایانه محض و غیردینی باشد، نمود پیدا می‌کند و ماهیت درونی اسلامی آن مورد غفلت واقع می‌شود.

2-4. جدایی دین از سیاست: یکی دیگر از عوامل انحراف و سقوط مسلمین از قدرت، تلقی جدا بودن دین از سیاست و نیز ترویج آن است. لازم به ذکر است که ریشه چنین تفکری به پایان قرون وسطی در اروپا برمی‌گردد و پیدایش این تفکر در اروپا به منظور تقلیل و یا از بین حاکم بر آن بود. بدیهی است

وارد کردن چنین تفکری در فرهنگ اسلامی «اسکولاستیک» بردن قدرت کلیسا و نیز فلسفه سزاوار نبوده و امری ناخردانه است. قیاس اسلام با مسیحیت موجود از جهاتی معالفارق است. رویکرد کلیسای سنتی در تبیین جهان و شکوفایی علم، متحجرانه بود درحالی که چنین رویکردی مطرود اسلام است و با شکوفایی علم، مخالف نبوده است بلکه در تعالی آن مشوق عالمان بوده است. تفکیک کار حکومت از کار خدا و دین و به عبارتی جدا انگاری نهاد دین از حوزه اخلاق و غفلت از حوزه نهاد سیاست به صراحت در گفتار کشیشان مطرح بوده است. درحالی که اسلام چنین رویکردی را نپذیرفته و برای تمام شئون فردی و اجتماعی دنیوی و اخروی انسان برنامه ارائه کرده است. (ورعی، 1387: 6)

3- چالش های تمدن نوین اسلامی

دراهم ایجاد و توسعه تمدن نوین اسلامی مشکلاتی وجود دارد که غلبه بر آن ها مشکل است. نمونه هایی از این گونه مشکلات که می توان آن ها را چالش قلمداد کرد عبارت اند از:

3-1. فرهنگ مهاجم غربی: تهاجم فرهنگی از جمله مهم ترین چالش ها در روند استقرار تمدن نوین اسلامی در جامعه است. فرهنگ و تمدن غربی که با تکیه بر ابزارها و امکاناتی که در قرون اخیر بدان دست یافته است در تلاش است که بتواند سیطره فرهنگی خود را بر تمام جوامع بشری افکند. بدین روی تمدن غربی در تلاش است فرهنگ مادی صرف که همه چیز را در مادیات و منافع دنیوی می بیند در تمام جوامع تبدیل به فرهنگ غالب نموده و راه را بر هر نوع بدیلی ببندد. چالش جدی تمدن نوین اسلامی در تقابل با این تهاجم فرهنگی و بیرون راندن آن از لایه های مختلف اجتماع است. با توجه به تلاش های فراوانی که غرب در حداقل صدساله اخیر در راستای گسترش فرهنگ خود در سطح جهانی نموده است توانسته است از طرق مختلف موفقیت های فراوانی را کسب کند. رواج فرهنگ مصرف گرایی و تجمل در جوامع از جمله نتایجی است که در اثر این تلاش ها ایجاد شده است. (مدنی بجستانی، 1374: 84)

3-2. اختلاف افکنی در میان مسلمانان: چالش بسیار جدی که امروزه اکثر کشورهای اسلامی با آن دست و پنجه نرم می کنند اختلافات قومی و مذهبی است. این مسئله قرن ها است که به طرق مختلف ایجاد گردیده و بر آن دامن زده شده است. در صورتی که وحدت در میان مسلمانان جاری گردد تحقق تمدن نوین اسلامی با سرعت بسیار بیشتری امکان پذیر خواهد بود. دشمنان به خوبی بر این نکته واقف گردیده و در تلاش هستند تا بتوانند این روند را با روش های گوناگون متوقف سازند. نمونه های این تلاش ها، ایجاد و حمایت از گروه های تروریست و ارهابی در میان مسلمانان و تقویت و پشتیبانی از آنان مانند طالبان و القاعده است. امام خمینی (ره) به عنوان یک روشنفکر مذهبی و یک مسلمان واقعی تمامی جوانب را در

نظر گرفته و برای امت اسلامی تلاش می‌کرد. اندیشه وحدت از دیدگاه امام خمینی وسیله و ابزار اصلی نفی سبیل و سلطه غیرمسلمان بر امت اسلامی بوده و وحدت رمز پیروزی و بقای امت اسلامی است. (موسوی خمینی، 1368: 6). از جمله چیزهایی که بر ای قیام مسلمانان و مستضعفان جهان علیه چپاولگران جهانی و مستکبران جهان خوار لازم به تذکر است آن است که نوعاً قدرت‌های ستمگر از راه ارعاب و تهدید یا به وسیله بوق‌های تبلیغاتی خودشان و یا به وسیله عمال مزدور بومی خائنشان مقاصد خود را اجرا می‌کنند؛ در صورتی که اگر ملت‌ها با هوشیاری و وحدت در مقابلشان بایستند موفق به اجرای آن نخواهند شد. (موسوی خمینی، 1368: 91)

3-3. طغیان مادی نگری در تفکر جامعه: مادی نگری از آثار مخربی است که تمدن غرب بر جوامعی که بر آن‌ها تسلط پیدا می‌کند جاری می‌نماید. تفکرات صرفاً مادی و بر پایه منافع شخصی که چهره ویژه‌ای در مکاتب سیاسی و اجتماعی غرب دارد با گسترش در میان مسلمانان چالش بزرگی را در میان اقوام و جوامع مسلمان ایجاد نموده است. نگاه مادی غالب در تفکر تمدن غرب با امکانات نظامی که در اختیار مستکبران قرار داده است در تعارض جدی با دستورات و تعالیم اسلام قرار دارد. این تفکر و رویکرد باعث شده است که تلاش مردمان نه بر رفع مشکلات و حوائج اقتصادی، بلکه بر ثروت‌اندوزی و تجمل‌گرایی و تکیه و توجه به منافع شخص و مادی متمرکز گردد و مهم‌ترین مشکلی که ایجاد خواهد نمود جلوگیری از جاری شدن فرهنگ اصیل اسلامی و به تبع آن ایجاد مانع در تشکیل تمدن نوین اسلامی خواهد شد. (مدد پور، 1377: 38)

دستاورد دیگر غرب مدرن، نیهیلیسم بود که در فارسی معادل پوچ‌انگاری یا یأس فلسفی ترجمه شده است. طرفداران نیهیلیسم، ساحت غیبی و حضور خدا را نیست می‌انگارند یا اگر به آن اعتقاد دارند برای این ساحت غیبی، جز مقام خالقیت، شأن حضور قائل نیستند؛ حضور، هدایت و تأثیرگذاری آن را بر زندگی رد می‌کنند. (بهمن پور، 1386: 8).

4- موانع تمدن نوین اسلامی:

بر سر راه تمدن نوین اسلامی، در کنار آسیب‌ها و چالش‌هایی که وجود دارد موانعی نیز باعث کندي حرکت و جلوگیری از انجام برنامه‌ها و تمدن سازی می‌گردد. نمونه‌هایی از این موانع را می‌توان این‌گونه نام برد:

4- 1. مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان: وضعیت اقتصادی و معیشتی جامعه همواره دغدغه اصلی متولیان و

آحاد مردم بوده است. درواقع درصورتی که این مؤلفه با مشکل روبرو شود تأثیر فراوانی بر سایر جنبه های مادی و معنوی جامعه خواهد گذاشت. احادیث فراوانی درباره فقر در کتب حدیثی موجود است و توجه به باب های مربوط به امر تجارت و مسائل مالی در احکام فقهی نشانگر اهتمام خاص اسلام بر این مسئله بوده است. فرهنگ سازی و ایجاد تمدن نوین جز بر پایه ساخت های اقتصادی که توان اجرای آن ها را داشته باشد امکان پذیر نخواهد بود. منظور از این بحث رفاه کامل مادی جامعه نیست، بلکه ایجاد ثبات اقتصادی و جلوگیری از برهم ریختگی در این حوزه کمک زیادی بر پیشبرد اهداف فرهنگی خواهد نمود. (رضایی، 93:1386). البته یکی از ضروریات حل مسائل اقتصادی نیز ارائه راهکارهای فرهنگی و بالا بردن وضعیت فکری جامعه و دادن قوه درک و فهم دقیق مسائل بر مردمان است تا مسئولان امر را در رسیدن به اهداف مطلوب خویش یاری نمایند.

2-4. عدم توجه به عقلانیت دینی: یکی از موانع اصلی پیشرفت در جامعه اسلامی دگم اندیشی دینی و مذهبی و عدم توجه به عقلانیت دینی است. اشاعره و اخباریان نمود اولیه و اصلی این نوع تفکر بوده اند. پویایی دستورات و احکام دینی که به اصطلاح فقه پویا نامیده شده است یکی از جنبه های مهم اسلام است که در میان برخی از جوامع مورد غفلت واقع شده و یا در برخی موارد دیگر با افراط مواجه گردیده و آسیب های جدی وارد نموده است.

از منظر اسلام عقلانیت ناظر به قوه عاقله درون انسان است که به کارگیری آن، یعنی تعقل، انسان را به سوی خدا سوق می دهد و بندگی او را به ارمغان می آورد؛ بنابراین عقلانیت اسلامی بدین معنی است که انسان با بهره مندی از قوه عاقله در جهت گرایش های عالی انسانی و الهی تعقل می کند و حیات فردی و اجتماعی خود را به سوی خدا و بندگی او سوق می دهد درواقع تمدن اسلامی بدون عمومی شدن عقلانیت اسلامی به وجود نمی آید، لذا امروز وظیفه دانشمندان و روشنفکران مسلمان است که از یک سو در عقلانیت اسلامی به کاوش بپردازند و با اتکا به معارف فقهی و اصولی و همچنین با استفاده از دستاوردهای علمی اسلام در فلسفه، عرفان و حدیث و معارفی که امروز بشر بدان ها نائل شده، ماهیت عقلانی اسلام را کشف و اجزا و ارکان آن را دریابند و از سوی دیگر این معرفت را در حد مبانی و اصول که در عمل قابل کاربرد باشد برای عموم تشریح کنند. (لاریجانی، 23:1370)

عمده مشکلات و فاصله هایی که میان احکام و دستورات دینی و رفتار و فرهنگ مردم در جوامع مختلف بروز نموده است ریشه در نبود عقلانیت دینی داشته و عدم تفکر و تعقل رهبران دینی در احکام و بازنگری همراه با تفسیر و توضیح درست آن است. از سوی دیگر عقلانیت صرف بدون داشتن سابقه و رنگ دینی و عدم مراجعه به ضروریات دین، باعث کج روی های زیادی شده است. هر دو لبه این بحث که همانا تکیه بر عقل

بدون توجه به تعالیم دینی و برخلاف آن دگم‌اندیشی و عدم اعتنا به تفکر و استنتاج عقلی در فرایند احکام فقهی مانع حرکت درست تمدن نوین اسلامی خواهند شد. (براتلو، 1388: 211)

3-4. انحراف و کج‌فهمی در گروه‌های مرجع: گروه‌های مرجع در جوامع از اهمیت فراوانی در عرصه فرهنگ‌سازی و ایجاد مدنیت نوین برخوردار می‌باشند. هرچه این گروه‌ها بهتر و بیشتر در مسیر صحیح و اسلامی حرکت کنند تمدن‌سازی نوین اسلامی با دقت و سرعت بالاتری صورت خواهد گرفت. به‌یقین یکی از راه‌ها و راهبردهای اساسی مبارزه با تهدیدهای فرهنگی و مقابله با هجمه تمدنی و فرهنگی دنیای غرب، تأکید بر روی هویت و اصالت‌ها و ارزش‌های دینی جوامع اسلامی و بالطبع تجدید اعتلای تمدن اسلامی است، علی‌الخصوص برای نسل‌های جوان و نیز نخبگان و تحصیل‌کردگان جامعه که به‌عنوان گروه‌های مرجع شناخته شده‌اند. انحراف و غرب‌زدگی در میان این طبقه از جامعه منجر به ایجاد انحراف و دور شدن از اهداف و آرمان‌های تمدن نوین اسلامی خواهد شد. (نقوی، 1377: 135)

یافته‌های پژوهش:

تمدن نوین اسلامی که در سال‌های اخیر روند ایجاد و تکوین آن در حال صورت گرفتن است با توجه به وضعیت اقتصادی، فکری و فرهنگی جوامع اسلامی و تلاش‌ها و مقابله‌های صورت گرفته از سوی غرب با آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی روبرو گردیده که ازجمله آن‌ها می‌توان به عدم پیروی از رهبری واحد، تعجیل در رسیدن به نتیجه مطلوب، انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیردینی برخی از جنبش‌ها، فرهنگ مهاجم غربی، اختلاف افکنی در میان مسلمانان، طغیان مادی‌نگری در تفکر جامعه، مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان، عدم توجه به عقلانیت دینی و انحراف و کج‌فهمی در گروه‌های مرجع اشاره نمود.

راهکارهای مقابله با این چالش‌ها و موانع را می‌توان چنین بیان کرد:

کم‌تحمّل بودن در رسیدن به نتیجه مطلوب: گروه‌های مرجع در این زمینه وظیفه دارند با آگاه ساختن بدنه جامعه و توده مردم از این موضوع، انتظارات و توقعات آنان را نسبت به این جریان واقعی ساخته و با تشریح وضعیت موجود و اهداف و آرمان‌های مطلوب جامعه تمدن نوین اسلامی از سرخوردگی و ناامیدی مردم جلوگیری کنند. بدیهی است در این راه می‌بایست در برابر شبهه افکتنی‌ها و تلاش‌هایی که مخالفان و گروه‌های رقیب، از آمادگی کافی ذهنی و فکری برخوردار باشند. (رضایی، 1386: 37)

فرهنگ مهاجم غربی: متفکران و اندیشمندان حوزه تمدن نوین اسلامی می‌بایست با ارائه راهکارها و

روشنگری در میان مردم و همچنین تلاش در معرفی اهداف و نتایج پنهان فرهنگ‌های مهاجم غربی و آثار و نتایج مخرب آن تلاش نمایند تا این چالش‌جدي تبدیل به فرصت‌های مغتنمی برای هدایتگری بیشتر در جامعه گردد. بهره‌گیری مناسب و به‌روز از همان ابزارهایی که دروند تهاجم فرهنگی مورد استفاده غرب قرار می‌گیرد از جمله ماهواره و اینترنت در جهت مقابله با آن از راهکارهای مناسبی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

اختلاف‌افکنی در میان مسلمانان: راهکار اصلی در فرهنگ‌سازی و روشنگری در میان جوامع مسلمان است. این وظیفه می‌بایست توسط دولتمردان از یک‌سو و از سوی دیگر توسط اهل فکر و فرهنگ و متفکران و اندیشمندان و رهبران دینی انجام پذیرد. (موثقی، 1371: 38).

طغیان مادی‌نگری در تفکر جامعه: بازخوانی و یادآوری تعالیم و دستورات دین مبین اسلام در این حوزه و بیان شیوا و در زبانی قابل‌پذیرش و امروزی از سوی رهبران فکری و فرهنگی جامعه و تلاش برای گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات و گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات راهکار مبارزه با طغیان مادی‌گری است.

انحراف و کج‌فهمی در گروه‌های مرجع: برای مقابله با این مانع می‌بایست اقدام به اعتلا و بالا بردن وضعیت آموزش و پرورش و حوزه تحصیلات تکمیلی و اهمیت قائل شدن به این حوزه نمود. با آموزش صحیح مبانی فکری و فرهنگی و تأمین و تهیه کتب و منابع آموزشی به‌ویژه در حوزه علوم انسانی از انحراف در گروه‌های مرجع و از غرب‌زدگی آنان جلوگیری نمود و به تبع آن هدایت صحیح مخاطبان گروه‌های مرجع که عموم مردم جامعه هستند دست‌یافت.

نتیجه‌گیری

تمدن نوین اسلامی که در سال‌های اخیر روند ایجاد و تکوین آن در حال صورت گرفتن است با توجه به وضعیت اقتصادی، فکری و فرهنگی جوامع اسلامی و تلاش‌ها و مقابله‌های صورت گرفته از سوی غرب با آسیب‌ها، چالش‌ها و موانعی روبرو گردیده که از جمله آن‌ها می‌تواند به عدم پیروی از رهبری واحد، انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیردینی برخی از جنبش‌ها، تقلید گرایی از فرهنگ غرب، اختلافات و عدم انسجام و وحدت در بین مسلمانان، طغیان مادی‌نگری و پوچ‌گرایی در تفکر جامعه، مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان و عدم توجه به عقلانیت اسلامی اشاره نمود. راهکارهای مقابله با این چالش‌ها و موانع

را می‌تواند چنین بیان کرد:

انحراف از مسیر و ماهیت سیاسی و غیردینی برخی از جنبش‌ها: دقت در تطابق فعالیت‌ها و اهداف با مبانی اسلامی و نیز شناساندن رهبران و مجریان حرکت‌ها پیش از رسیدن به مراحل نهایی.

تقلید گرایی از فرهنگ غرب: متفکران و اندیشمندان حوزه تمدن نوین اسلامی می‌بایست با ارائه راهکارها و روشنگری در میان مردم و همچنین تلاش در معرفی اهداف و نتایج پنهان فرهنگ‌های مهاجم غربی و آثار و نتایج مخرب آن تلاش نمایند تا این چالش جدی تبدیل به فرصت‌های مغتنمی برای هدایتگری بیشتر در جامعه گردد. بهره‌گیری مناسب و به‌روز از همان ابزارهایی که در روند تهاجم فرهنگی مورد استفاده غرب قرار می‌گیرد از جمله ماهواره و اینترنت در جهت مقابله با آن از راهکارهای مناسبی است که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. آنچه تمدن غرب با وجود تمام پیشرفت‌های خود، نتوانست به آن دست یابد عدم اعطای آرامش معنوی و روحی به انسان به واسطه عدم توجه به جنبه‌های حقیقی تمدن و رعایت اصول و مبانی الهی در سبک زندگی انسان و دوری از اخلاق و معنویات است. از این‌رو در جهت شکوفایی و گسترش تمدن نوین اسلامی می‌بایست از تقلید گرایی پرهیز شود.

در روایات بسیاری از ائمه معصوم نیز به این دو مهم یعنی وحدت و تفرقه اشاره شده است. فقط کافی است با دیدی متفکرانه به آن‌ها نگریست و نکات آن را استخراج کرد. طغیان مادی‌نگری و پوچ‌گرایی در تفکر جامعه: بازخوانی و یادآوری تعالیم و دستورات دین مبین اسلام در این حوزه و بیان شیوا و در زبانی قابل‌پذیرش و امروزی از سوی رهبران فکری و فرهنگی جامعه و تلاش برای گسترش روحیه تعاون و همیاری در میان مسلمانان و اجرای درست احکام و قواعد اقتصادی اسلام نظیر احکام تجارت، خمس و زکات. جامعه‌ای که در پی ساختن تمدن نوین اسلامی است ضرورت دارد در جهت رسیدن به این هدف متکی به خود باشد و خودباوری را در جامعه رواج دهد. سرمایه دینی، سرمایه‌ای بس گران‌بها برای هر جامعه‌ای است. تمدن‌سازی نوین دارای مشکلات و دشواری‌هایی است

که صبر و استقامت و پشتکاری می‌طلبد که جز با توسل به سرمایه‌های امکان‌پذیر نخواهد بود. آنچه باعث می‌گردد هر فعالیتی به سرانجام مطلوب خود برسد داشتن خودباوری و باور به موفقیت است. این باور در ذات خود نیرویی به انسان می‌دهد که تلاش او را چندین برابر می‌نماید. برای انجام هر کار، باید اول باور پیدا کنیم که این کار، می‌تواند انجام شود. اعتقاد داشتن به این‌که کاری می‌تواند انجام پذیرد، ذهن را برای یافتن راه انجام آن به حرکت وامی‌دارد. وقتی به کاری باور داشته باشید، فکرتان راه‌های انجام آن را پیدا می‌کند. این آزمایش، تنها یک نتیجه دارد و آن این‌که وقتی

بپذیرید که چیزی ناممکن است، فکرتان در پی دلایلی می‌گردد که این مطلب را اثبات کند؛ ولی وقتی باور حقیقی داشته باشید که کاری شدنی است، فکرتان راه‌های انجام آن را می‌یابد. باور داشتن به امکان تحقق مسائل، در حقیقت، جاده را برای راه‌حل‌های خلاق، هموار می‌سازد؛ درحالی‌که باور داشتن به عدم تحقق آن‌ها، تفکری ویرانگر است. باور به اینکه می‌تواند تمدن نوینی در جهان اسلام ایجاد نمود مسیر حرکت را روشن و هموار خواهد نمود.

مشکلات اقتصادی جوامع مسلمان؛ در تمدن سازی جدید اسلامی، هدف اصلی اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام است. به کار بستن بی‌کم‌وکاست تعالیم اسلام باعث آن خواهد شد که از رویگردانی از اسلام به بهانه‌های مختلف جلوگیری گردد. اسلام هراسی که امروزه به‌شدت از سوی بنگاه‌های تبلیغاتی غرب ترویج می‌گردد ناشی از برخی کج‌فهمی‌ها و کج‌روی‌ها در عمل به تعالیم اسلام است. در گستره زندگی فردی و اجتماعی انسان، از اصطلاح عقل معاش نام‌برده شده است. عقل معاش را می‌تواند در مفهوم جامع خود مترادف سبک زندگی دانست، زیرا ناظر به مهم‌ترین محورهای سبک زندگی است، عقل معاش به تعبیری همان عقل زندگی، عقل اقتصادی و عقل اجتماعی است که به فردی که در جامعه زندگی می‌کند و به‌نوعی درگیر مسائل اقتصادی و اجتماعی است توانایی فعالیت مؤثر را می‌دهد. عقل معاش با شاخص‌هایی مانند الگوی مصرف، کار و تولید، شیوه گذران اوقات فراغت، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی، بهداشت، سلامت و بس‌یاری از مسائلی که در متن زندگی ما مطرح است ارتباط دارد.

عدم توجه به عقلانیت اسلامی؛ در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به‌عنوان تبیین‌کننده همه نیازهای آدمی در رأس منابع دینی قرار دارد. سرگذشت تمدن‌های پیشین و مطالعه تاریخ آنان به‌خوبی ضرورت عمل به تعالیم قرآن را بر ما آشکار خواهد نمود. بشر برای رسیدن به کمال نیازمند برنامه‌ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد و تکیه بر آن در مسیر نیل به کمال حرکت کند. ارائه الگوهای برجسته تفکر صحیح عقلانی بر پایه اصول و مبانی دینی پرداخت و نخبگان و اندیشمندان اسلامی را به‌سوی این مسیر روانه نمود.

شکل‌گیری یک تمدن اسلامی نوین، مستلزم دو امر اساسی است: اولی ایجاد وحدت در جهان اسلام؛ جهان اسلام نیازمند توسعه وحدت و همدلی است و این وحدت نباید فقط یک امر سیاسی و بین‌دولتی‌ها باشد، بلکه با توجه به شرایط نامطلوب حاکم بر اغلب دولت‌های کشورهای مسلمانان، باید با کمک پایگاه‌های سنتی و نهادهای غیر حکومتی، وحدت و همدلی در میان ملت‌های اسلامی گسترش یابد و از ترویج هر نوع فکر و رفتار تنش‌زا و اختلاف آفرین جلوگیری شود. دومی معرفی تمدن نوین اسلامی به غرب؛ کشورهای اروپایی و غربی با استفاده از ابزارهای قدرتی که در اختیاردارند، فرهنگ و تمدن اصیل شرقی را نادیده گرفته و

سعی در ایجاد تصویری از فرهنگ و تمدن غرب به عنوان فرهنگ اصیل انسانی دارند؛ حال آنکه تاریخ و تمدن آن‌ها در مقابل تمدن اسلام و به طور کلی تمدن شرقی، حرفه‌ای زیادی برای گفتن ندارد؛ اما شناساندن تمدن و تاریخ درخشان اسلام و همچنین دستاوردهای آن، مستلزم ایجاد یک تمدن اسلامی قدرتمند است. بیداری اسلامی در منطقه، حادثه مهمی است که در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند در تغییر نگاه مسلمانان به دنیا و ایجاد منافع مشترک بین آن‌ها مؤثر واقع گردد. لذا چالش‌های اشاره شده فوق همچنان باقی است و جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القریای کشورهای اسلامی، باید در جهت رفع آن‌ها و هموار نمودن این مسیر، تلاش نماید. عظمت و اقتدار مسلمانان و تمدن اسلامی باید از همان نقطه‌ای آغاز شود که در آن نقطه متوقف شد و درهم شکست. این نقطه، پیشرفت علم و حکمت در پرتو آزادی تفکر اندیشه بود. اگر نهضت اسلامی یا جریان‌های اسلام‌گرایی درصدد بازگشت به اقتدار و عظمت پیشین هستند راه این اقتدار از تحول در فکر و اندیشه می‌گیرد، نه از جمود و تحجر و نه از تکفیر و انتحار. اثبات برتری و حقانیت هر اندیشه و ایدئولوژی با خون و خشونت درواقع نمایشی از ناکامی و شکست است. برتری و حقانیت را باید با ایجاد تمدن برتر و نظام بهتر در جهان بشریت نشان داد.

با توجه به اینکه اولین قدم برای تمدن سازی، شناخت عمیق و دقیق تمدن است و برای نیل به این مهم، مطالعه مهم‌ترین خصوصیات و ویژگی‌های تمدن اسلامی دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ لذا پژوهش حاضر با هدف واکاوی خصوصیات و ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی انجام شد. در باب تعریف تمدن به طور اعم و تمدن نوین اسلامی به طور اخص، بین آثار محققان این حوزه، همگرایی مشاهده نگردید و درواقع، هر یک بیشتر متمرکز بر جنبه‌های از تمدن نوین اسلامی بوده و بحث خود را حول آن محور قرار دادند. ولی به طور کلی می‌تواند اظهار داشت که محور اصلی تمدن اسلامی، خدامحوری، عدالت‌گستری، اخلاق‌مداری، عقلانیت و مواردی از این دست است. در رابطه با عوامل تمدن ساز به طور اعم، به نظام‌های آموزشی، سنت علمی، روش‌های پژوهش و نحوه به کارگیری علم در میدان عمل اشاره گردید که در جوامع اسلامی نیز این عوامل در زمره مهم‌ترین عوامل تمدن ساز به شمار می‌روند. در باب مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی نیز برخی محققان به طور کلی به وجود دو جنبه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تمدن پرداخته و برخی دیگر، مؤلفه‌ها و شاخص‌های دیگری از جمله قرآن و سنت را به مثابه مهم‌ترین شاخص‌های زیربنایی تمدن اسلامی معرفی نمودند. در هر تمدنی مشکلات و نابسامانی‌هایی نیز وجود دارد و تمدن اسلامی نیز مبری از این مشکلات نخواهد بود؛ به همین دلیل در ادامه بحث مربوطه، مسائل و مشکلات تمدن اسلامی و فرصت‌های پیش رو این تمدن مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بدون تردید یکی از اولین گام‌ها برای کاوش در تمدن اسلامی، شناخت جنبه‌های مختلف این تمدن است؛ هرچند شمول و گستردگی دین مبین اسلام و تمدن نوین اسلامی که بر پایه آموزه‌های آن شکل گرفته، بسیار گسترده و ژرف بوده و نیازمند تحلیل همه‌جانبه عوامل دخیل و ذی‌ربط فراوانی است که به هیچ عنوان در قالب این نوشتار نمی‌گنجد، با این حال، تلاش

گردید تا اشاره‌ای مختصر به برخی از این ابعاد و مؤلفه‌ها نموده و به‌نوعی، این نوشتار مختصر، سرآغازی برای انجام پژوهش‌های عمیق و ژرف نگرانه اندیشمندان و صاحب‌نظران علاقه‌مند به مباحث تمدن‌شناسی باشد.

منابع

بهمن پور، محمد سعید. (1386). فراز و نشیب عقلانیت. انتشارات نوادر

تقی نیا، الهام؛ صوفی، نصیرعلی؛ رستمی، فرشته. (1313). شاخصه‌های تمدن اسلامی از منظر آیات و روایات. فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی 20(3): 22-3

جهان‌بین فرزاد، معینی پور مسعود. (1393). فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی؛ 11(39): 29-46.

جان احمدی فاطمه. (1386) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: انتشارات معارف-24

حسنین هیکل، (1363)، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات الهام

داوری اردکانی، رضا. (1380). تمدن و تفکر غربی. تهران: انتشارات ساقی -110

دیلمی، شیرویه، (1986)، الفردوس الاخبار بمأثور الخطاب،، به کوشش سعید بسیونی زغلول، بیروت

رضایی، علیرضا و قاسم ترابی، (1389)، تبیین جایگاه فرهنگ در نظریه‌های سیاست و روابط بین‌الملل (فرهنگ به‌عنوان عرصه‌ای برای تعامل یا تقابل)، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره سیزدهم،

شفیعی، نوذر و فاطمه رضایی (1391)، "نقد و ارزیابی نظریه سازهانگاری"، مجله علمی تخصصی پژوهش‌های سیاسی، سال اول، شماره چهارم، تابستان

رضايي، عبدالعلي. (1386). مهندسي تمدن اسلامي. قم. انتشارات فجر ولايت.

عبدالـ خانې، علي، (1383)، نظريه‌هاي امنيت (مقدمه‌هاي بر طرحريزي دكترين امنيت ملي)، تهران: موسسه فرهنگي مطالعات و تحقيقات بين‌المللي ابرار معاصر

علوي، سيد علي، (1385)، زندگي و زمانه سيد حسن تقوي زاده،، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌هاي سياسي

كرمي، جهانگير، (1383) "سياست خارجي از منظر تكوين گرايي اجتماعي"، فصلنامه راهبرد، شماره 31،

كورت، پل و جفري لگرو، (1390)، هنجارها، هويت و حدود آن‌ها: يك تكرار نظري، در فرهنگ امنيت ملي، نوشته پيتر. جي كاتزنشتاين، ترجمه محمدهادي سمتي، تهران: پژوهشكده مطالعات راهبردي،

كسمايي، علي‌اكبر (1354). قرن ديوانه، بحران تمدن و فرهنگ و ناداني‌هاي دوران دانش. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت، چ. دوم.

كلود زيچ، ادوارد، (1390)، امنيت روابط بين‌الملل، ترجمه نادر پور آخوندي، تهران: پژوهشكده مطالعات راهبردي، چاپ دوم

كنزالعمال في سنن الاقوال و الافعال، (۱۳۶۵)، المتقي الهندي، بيروت، مؤسسه الرساله،

لاريجاني، محمدجواد، (1370)، تمدن نوين بر اساس عقلانيت اسلامي، نشریه مجلس و پژوهش، پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي

مشير زاده، حميرا و حيدر علي مسعودي، (1388)، "هويتها و حوزه‌هاي مفهومي روابط بين‌الملل"، فصلنامه سياست، مجله دانشكده حقوق و علوم سياسي، دوره 39، شماره 4

مظاهري ابوذر. (1313). بيداري اسلامي؛ خيزش تمدني اسلام، تبیین نظريه مقام معظم رهبري در باب بيداري اسلامي. معرفت سياسي؛ 6(1) 143- 125

محمد باقر مجلسي، بحارالانوار؛؛ تعليق: جواد العلوي، محمد الاخوندي؛ تهران: دارالكتب الاسلاميه، بي تا.

محمد بن محمد، جامع الأخبار، شعيري،، نجف اشرف، المطبعة الحيدرية، بي تا

مشير زاده، حميرا، (1383)، "سازه‌انگاري به‌عنوان فرا نظريه"، مجله دانشكده حقوق و علوم سياسي، شماره 65،

مشير زاده، حميرا، (1384)، تحول در نظريه‌هاي روابط بين‌الملل، تهران: سمت،

متقي، ابراهيم و كاظمي، حجت، (1386)، سازه‌انگاري، هويت، زبان و سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران»، فصلنامه سياست مجله دانشكده حقوق و علوم سياسي، دوره 37، شماره 4

معيني علمداري، جهان‌گير و عبداﷲ راسخي، 1389"، روش‌شناسي سازه‌انگاري در حوزه روابط بين‌الملل"، فصلنامه تحقيقات سياسي و بين‌المللي دانشگاه آزاد اسلامي واحد شهرضا، شماره چهارم، پاييز

مدني بجستاني، محمد. (1374). مقابله با تهاجم فرهنگي. قم. دفتر تبليغات اسلامي.

موسوي خميني، روح‌اﷲ. (1368). صحيفه انقلاب، وصيت‌نامه سياسي الهي رهبر كبير انقلاب اسلامي و بنيان‌گذار جمهوري اسلامي ايران... سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.

مدد پور، محمد. (1377). زندگي در برزخ تمدن غربي و تمدن اسلامي. تهران. كتاب نقد.

موثقي، سيد احمد. (1371). استراتژي وحدت در اندیشه سياسي اسلام. قم. دفتر تبليغات اسلامي.

نراقي، جامع السعادات، مهدي بن ابي‌ذر، تصحيح محمد كلانتر، بيروت، موسسه الاعلمي للمطبوعات، بي تا

نقوي، علي‌محمد. (1363). جامعه‌شناسي غرب‌گرايي. تهران. انتشارات اميركبير.

ورعي، جواد. (1387). امام خميني و احياي تفكر ديني. موسسه چاپ و نشر عروج.

ونت، الکساندر، (1384)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

ولایتی، علی‌اکبر (1386) پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران. تهران: مرکز چاپ و نشر وزارت امور خارجه، ج.اول و دوم

هویف، تد، (1386) «نوید مکتب برسازی برای نظریه روابط بین‌الملل»، اندرو لینکلتر، نواقع‌گرای، نظریه انتقادی و مکتب برسازی، ترجمه علیرضا طیب، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی

همای، جلال‌الدین، (1362)، تاریخ علوم اسلامی، چاپ اول، تهران، نشر هما،

ابن‌بابویه، من‌لا یحضره الفقیه،، به کوشش علی‌اکبر غفاری، قم، 1404 ق